

بررسی تطبیقی آیات حجاب در تفسیر نمونه و نور

فاطمه زارع^۱

ناهید موحدی^۲

فاطمه ترکاشوند^۳

چکیده

آیات ۳۱ نور ، ۵۳ و ۵۹ احزاب به عنوان آیات حجاب مشهور است پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و کتابخانه ای، درصدد بررسی تطبیقی تفسیر آیات فوق از دیدگاه صاحبان تفاسیر نمونه و نور است بر پایه ترتیب نزول و ظاهر آیات خدای متعال ابتدا در آیه پنجاه و سه احزاب به مردان مؤمن دستور می دهد که مواجهه آنها با همسران پیامبر من وراء حجاب باشد سپس در آیه ۵۹ از زنان مؤمنه می خواهد خود را با جلباب بپوشانند تا مورد آزار نامحرمان قرار نگیرد سرانجام در آیه ۳۱ نور با ذکر جزئیات مسئله حجاب حد و حدود آن را ترسیم می فرماید.

کلمات کلیدی

تفسیر نور، تفسیر نمونه، حدود حجاب، آیه ۳۱ نور، آیه ۵۳ احزاب، آیه ۵۹ احزاب.

^۱ طلبه سطح ۲، پژوهشگر حوزه علمیه خواهران حضرت خدیجه، قم.

^۲ استاد راهنما.

^۳ طلبه سطح ۲، پژوهشگر حوزه علمیه خواهران حضرت خدیجه، قم.

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذارده‌اند و افراد غربزده، بی بند و باری زنان را جزئی از آزادی او می‌دانند سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه‌ای است متعلق به زمانهای گذشته! ولی مفسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزونی که از این آزادیهای بی قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجا گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.

البته در محیطهای اسلامی و مذهبی، مخصوصا در محیط ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی، بسیاری از مسائل حل شده، و به بسیاری از این سؤالات عملا پاسخ کافی و قانع کننده داده شده است، ولی باز اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که این مساله به طور گسترده‌تر مورد بحث قرار گیرد.

مساله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره کشی از طریق سمع و بصر و لمس (جز آمیزش جنسی) در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد.

اسلام می‌گوید کامیابیهای جنسی اعم از آمیزش و لذت‌گیریهای سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه، و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد که جمله "ذَلِكْ اُزْكٰى لَهُمْ" در آیات سوره نور اشاره به آن است.

در قرآن به هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه تاکید شده است و این دستور قرآنی اختصاص به زنان ندارد، طبق آیات قرآن حجاب شامل اموری مانند پوشاندن چشم از نگاه به نامحرم؛ حجاب گفتاری در مقابل نامحرم و پوشش بدن و ... می‌شود.

در مورد پوشاندن چشم از نگاه به نامحرم در آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (سوره نور، آیه ۳۰)؛ (ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند)، مردان ملزم به پوشاندن چشم از نگاه به نامحرم شده اند و در آیه بعد به زنان تاکید شده است که: «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (سوره نور آیه ۳۱)؛ (ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند).

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، هر نوع پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحاء مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش بدن، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. اهمیت حجاب و پوشش اسلامی تا جایی است که خداوند متعال در بسیاری از سوره های قرآن از آن به عنوان یک ضرورت یاد می کند و آنرا حافظ انسان در برابر بسیاری از بیماریهای جسمی و روانی می داند. در این میان ضرورت دارد تا تفسیر این آیات از دیدگاه دو تن از مفسران مشخص شود تا با نشان دادن نقاط اشتراک و افتراق و بررسی نظرات آنان بتوان راه روشنی را برای عمل به این فریضه الهی پیش روی مسلمانان نهاد در این مقاله سعی شده با نگاهی تطبیقی به تفسیر آیات حجاب در دو تفسیر نور و نمونه این هدف محقق گردد.

مفهوم شناسی

۱/۱ حجاب

حجب و حجاب در لغت هر دو مصدر و بمعنی پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب بمعنی پرده نیز است. (قرشی، ۱۳۷۱ ه ش، ج ۲، ص ۱۰۳) فقها نیز در تعریف حجاب

گفته‌اند: «الحجاب ما تلبسه المرأة من الثياب لستر العورة عن الأجانب» (معجم لغۀ الفقهاء، ۱۴۰۸ ق: ذیل حجاب). حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد.

حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان قلمرویی کوچک‌تر و معنای محدودتری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع و بازدارنده نگاه نامحرمان به ایشان یا مانع انگیزش یا تمایل جنسی مردان باشد پیدایش و کاربرد این اصطلاح به‌جای ستر که در گذشته میان فقیهان معمول بود به باور برخی از محققان چون شهید مطهری پیشینه چرا چندان‌ی ندارد و یک اصطلاح نسبتاً جدید است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۳۰)

امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی به‌معنای پوشش شرعی زنان به‌کار می‌رود. واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم به‌معنای مانع و حائل به‌کاررفته است در آیه پنجاه و سه سوره احزاب که آیه حجاب‌ها نمی‌شود به مردان دستور داده شد با همسران پیامبر از پشت پرده من وراء حجاب سخن بگویند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۳۷)

۲/۱ جلاب

جلاب مفرد جلاب به معنی پیراهن‌ها و روپوش‌های سر و چهره یا مقنعه است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴ هـ ش، ج ۱، ص ۴۰۴)

به نقل از مجمع البیان ج ۸ ص ۳۷۰ (ابو مسلم اصفهانی صاحب تفسیر مفقوده‌اش جامع التأویل لمحكم التنزیل، جلاب - را لباس و پیراهن، و روسری بزرگ و آنچه که زن را می‌پوشاند می‌داند) و شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب ص ۱۸۷ می‌نویسد «به نقل از لسان العرب: جلاب جامه‌ای است از چهار قد بزرگتر و از عبا کوچکتر، که زن بوسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند».

آنچه از نه‌ایه و صحاح و قاموس نقل شد میشود گفت: جلاب ملحفه و لباس بالائی و چادر مانند است نه فقط روسری و خمار. (قریشی، ۱۳۷۱ هـ ش، ج ۲، ص ۴۱)

قرآن کریم در آیات مربوط به پوشش و ستر بانوان از جلباب نام برده (احزاب، ۵۹) و در کلمات فقها به تبع به کار رفته است. کلمات لغویان در معنای جلباب مختلف است. بعضی آن را به چادر و مانند آن، که از سر تا پا را می پوشاند تعریف کرده اند. بعضی دیگر آن را به پوشش بزرگ تر و بلندتر از روسری و کوتاه تر از چادر که سر و گردن و سینه و مقداری پایین تر از آن را می پوشاند و بعضی نیز به همان روسری (خمار) تعریف کرده اند. (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، جلد: ۳، صفحه: ۹۹)

بنابراین مطابق آنچه بیان شد برخی از مفسران و واژه شناسان در این که جلباب به معنای پوشش فراگیر است اتفاق نظر دارند اما درباره اندازه جلباب دیدگاه های متفاوتی وجود دارد با توجه به به برخی قرائن می توان گفت که جلباب چیزی شبیه چادر امروزی است چنان که درباره پوشش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک نقل شده است مقنعه اش «خمار» را بر سر بست و جامعه ای فراگیر «جلباب» بر تن کرد. (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۸)

بر این پایه نظر کسانی که جلباب را به خمار «مقنعه روسری» معنا کردن رد می شود زیرا مشخص شد که جلباب مستقل از خمار است. (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۵)

۳/۱ خمار

راغب اصفهانی اصل خمر را به معنای پوشاندن چیزی می داند و به آنچه با آن چیزی را می پوشانند خمار می گویند اما در اصطلاح به پارچه ای که زن سرش را با آن می پوشاند خمار گفته می شود و جمع آن خمار است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده خمر) فیومی نیز معتقد است که خمار به معنای جامعه ای است که زن سر خود را با آن می پوشاند. (فیومی، ۱۴۱۴، ذیل واژه خمار)

بعضی دیگر آن را به معنی " محل زینت " گرفته‌اند، زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینتها است، یعنی گوشها و گردن و دستها و بازوان.

بعضی دیگر آن را به معنی خود " زینت آلات " گرفته‌اند متنها در حالی که روی بدن قرار گرفته، و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد.

(این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است هر چند از دو راه مساله تعقیب می‌شود).
حق این است که ما آیه را بدون پیشداوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن همان معنی سوم است و بنا بر این زنان حق ندارند زینتهایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباسهای زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینتهایی نهی کرده است.

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت ع نقل شده نیز همین معنی دیده می‌شود که زینت باطن را به " قلاده " (گردنبند) " دملج " (بازوبند) " خلخال "

(پای برنجن همان زینتی که زنان عرب در میچ پاها می‌کردند) تفسیر شده است (۱).
و چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده می‌فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینتهایی است که نهفته و پوشیده است (دقت کنید).

۲- دومین حکمی که در آیه بیان شده است که: " آنها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند " (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ).

"خمر" جمع "خمار" (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).

"جیوب" جمع "جیب" (بر وزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد. از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. (از شان نزول آیه که قبلاً آوردیم نیز این معنی به خوبی استفاده می‌شود).

۳- در سومین حکم مواردی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را بگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد:

آنها نباید زینت خود را آشکار سازند (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ).

"مگر (در دوازده مورد):

۱- برای شوهرانشان" (إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ).

۲- "یا پدرانشان" (أَوْ آبَائِهِنَّ).

۳- "یا پدران شوهرانشان" (أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).

۴- "یا پسرانشان" (أَوْ أَبْنَائِهِنَّ).

۵- "یا پسران همسرانشان" (أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).

۶- "یا برادرانشان" (أَوْ إِخْوَانِهِنَّ).

۷- "یا پسران برادرانشان" (أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ).

۸- "یا پسران خواهرانشان" (أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ).

۹- "یا زنان هم کیششان" (أَوْ نَسَائِهِنَّ).

۱۰- "یا بردگانشان" (کنیزانشان) (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ).

۱۱- "یا پیروان و طفیلیانی که تمایلی به زن ندارند" (افراد سفیه و ابلهی که میل جنسی در

آنها وجود ندارد) (أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ).

۱۲- "یا کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند" (أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا

عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ).

۴- و بالاخره چهارمین حکم را چنین بیان می‌کند: "آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به

زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود" (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد)

(و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ).

آنها در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و

ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که

حتی از رساندن صدای خلخال را که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خود داری کنند،

و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است.

و سرانجام با دعوت عمومی همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا

آیه را پایان می‌دهد، می‌گوید: "همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان!، تا رستگار شوید"

(و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱هـ ش، ج ۱۴،

ص ۱۴۱. ۱۴۰. ۱۳۹)

نتیجه

در این مقاله پس از ارائه نظرات آیت الله مکارم شیرازی و حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، و با تأمل در آیات حجاب، این نتیجه به دست می آید که حجاب، همواره مورد تأکید قرآن کریم است و بر اساس نص صریح قرآن کریم واجب شده است. از سوی دیگر این نکته نیز قابل توجه است که جزئیات حکم حجاب در آیات قرآن کریم بیان شده است که قابل تطبیق بر سیره پیامبر و ائمه معصومین نیز می باشد. البته لازم به ذکر است که برآورد محقق از آیات حجاب این است که حجاب یک حکم اجتماعی و برای جلوگیری از آثار منفی بی حجابی در جامعه، تشریع شده است و با حفظ و حراست از حجاب، جامعه ای متعالی تر شکل خواهد گرفت.

منابع

قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۰ جلد، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱ پی نوشت:

(۱). «نور الثقلین»، ج ۴، ص ۳۰۷؛ «بحار الانوار»، ج ۲۲، ص ۱۹۰، و ج ۱۰۱، ص ۳۳؛ «تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، ج ۲، ص ۱۹۶ (دار الکتب قم). ۳۸۸ ه. ش.

۱. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۲، ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.

۲. قلعجی، محمد رواس؛ معجم لغة الفقهاء؛ دوم، بیروت: دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۸ ه. ق.

۳. مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۳۰

۴. طباطبائی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۱۶، پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ه. ش.

۵. اصفهانی، راغب؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ اول، بیروت: دار القلم، ۱۳۸۴ ه. ش.

۶. هاشمی شاهرودی، محمود؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۳، اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۲ ه. ش.

۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ جلد ۱، سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه. ش.

۸. مهدی زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۵

۹. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ دوم، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ه. ش.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه. ش.

۱۱. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، اول، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸ ه. ش.

۱۲. القمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ه. ش.